آگاهی از مفهوم بینافردی در روزنامه‌های آنلاین از دیدگاه سبک شناسی انتقادی و تحلیل گفتمان انتقادی.

بخش انگلیسی

کلید واژه‌ها

سبک شناسی انتقادی، خط مشی، مفهوم بینا فردی، تحلیل گفتمان انتقادی، روزنامه های آنلاین

۱\_ بیان مشکل

رسانه‌های خبری، به ویژه روزنامه‌ها، اغلب از زبان تحلیل‌ برای بیان نگرش‌ها، نظرات و قضاوت‌ها استفاده می‌کنند. جنبه‌های مختلف زبانی، ابزارهای بلاغی، تکنیک‌های روایی، مفاهیم پنهان، مبانی اعتقادی و مناسبات قدرت در مقالات خبری توسط نویسندگان برای برقراری ارتباط با خوانندگان، انتقال ارزیابی‌ یا عواطف، شکل دهی به تفسیر خواننده و همچنین برای ایجاد مواضع متفاوت آن‌ها به کار می‌رود، که اغلب از طریق مقالات‌شان تحت عنوان حمایت، انتقاد گری یا بی‌طرفی ارائه می‌شود. بنابراین، با بررسی چگونگی استفاده از زبان تحلیل‌گر برای خلق روایات، نادیده گرفتن دیدگاه‌های خاص، یا مشروعیت بخشیدن به سایر دیدگاه‌ها، می‌توان مفاهیم بینافردی را که مناسبات قدرت و تعاملات پنهان را در گفتمان خبری منعکس میکنند، کشف کرد.

براساس موارد ذکر شده فوق، زبان یک رویداد اجتماعی‌ست که برای ایجاد و تداوم روابط، شکل دهی به رفتارها، انعکاس نگرش عمومی افرد، و یا نمود یا تغییر نگرش سایرین استفاده می‌شود. همچنین، دستور زبان نقش گرای نظام‌بنیاد (SFG) که هالیدی آن را گسترش داد، تحت تأثیر نظریه فرث در مدرسه لندن قرار گرفت و اذعان می‌دارد که زبان دارای دو جنبه است: نقش‌گرا و نظام‌بنیاد. دستور زبان نقش گرای نظام‌بنیاد نظریه‌ی معنا را به عنوان یک گزینه پذیرفته است که براساس آن یک زبان شبکه‌ای از نظام‌های به هم پیوسته است(هالیدی، 1994) که آن را نظام‌بنیاد می‌کند. وقتی زبان ایجاد شده تا برای مطالعه‌ی نحوه استفاده از خود زبان استفاده شود، نقش گراست. مولفه‌های اندیشه‌‌گانی، بینافردی و متنی در معناگرایی از جمله مواردی هستند که هالیدی از آن به عنوان فرانقش یاد می‌کند. ارتباط بین نویسنده و خواننده محور اصلی مفاهیم بینافردی‌ست. هدف آن تسهیل تبادل نظرات، سؤالات، پیشنهادات و درخواست‌ها در گفتگوی بلاغی‌ست (تامپسون، 2000). به طور معمول، چند راه مختلف برای درک مفاهیم بینافردی وجود دارد، از جمله وجه، وجهیت و استفاده از ضمیر. با انتخاب انواع وجه‌ها که مفاهیم بینافردی بین مردم را تکرار می‌کنند، می‌توان نقش‌های گفتاری مختلفی را ایفا کرد (Li, 2002)

مارتین و وایت (2005)با اشاره به اینکه دستور زبان نقش گرای نظام بنیاد هیچ اشاره‌ای به تفسیر مفاهیم ارزشیابی - احساسات، برآوردها و انتقادات گوینده در مورد ارزش حقایق یا تجربیات مختلف نکرد\_ مطالعات مفاهیم بینافردی را توسعه دادند. آن‌ها دریافتند که تغییر محور تحقیقاتشان از دستور زبان به واژگان مهم است و "نظریه ارزیابی" در چارچوب لغوی- دستوری جامع را ایجاد کردند (هوستون و تامپسون، 2000). چارچوب ارزیابی کننده امکان تحلیل جامع از نحوه عملکرد فرآیند ارزیابی متون فردی و همچنین توضیحات پیچیده‌ای در مورد اینکه چگونه متون مشابه یا متفاوت هستند را براساس ترتیب ارزیابی آن‌ها می‌دهد. در نتیجه، پتانسیل دیدگاه‌های تازه‌ای را در مورد موضوعات مختلف فراهم می‌کند، از جمله اینکه متون چگونه هویت فردی و گروهی را نشان می‌دهند، چگونه سبک‌ها و فهرست‌ها ارزیابی می‌شوند، چگونه گویندگان و نویسندگان می‌توانند ارتباط قدرت و همبستگی را مدیریت کنند، و اینکه متونی که هدفشان متقاعد کردن و تحت تأثیر قرار دادن افکار‌عمومی‌ست چگونه عمل می‌کنند. رویکرد، تعامل و اتمام تحصیلات سه مقوله‌ی به هم پیوسته‌ای هستند که نظریه ارزیابی را تشکیل می‌دهند. تعامل، با نگرش‌ تامین منابع و نقش کلام پیرامون نظرات در گفتمان سروکار دارد. فارغ التحصیلی به پدیده‌های طبقه‌بندی شده می‌پردازد که در آن احساسات تقویت و مقوله‌ها به حاشیه رانده می‌شوند (مارتین و وایت، 2005).

رویکرد به احساسات شامل واکنش های عاطفی، قضاوت در مورد رفتار، و ارزیابی مسائل مربوط می‌شود. این سه نظام را حتی بیشتر‌ میشود از هم جدا کرد. رویکرد را بسته به نوع چیزی که ارزیابی می شود، می‌توان به سه زمینه از احساسات تقسیم کرد: برخورد، قضاوت، قدردانی. در حالی که تعامل از دو زمینه تشکیل می شود: تک زبانی و دو زبانی. دو زیر مجموعه فارغ التحصیلی نیرو و تمرکز هستند.

علاوه بر مفهوم بینافردی، دنبال کردن چگونگی بازتولید مفهوم اندیشه‌گانی نیز با مطالعات کنونی ارتباط مستقیم دارد. این امر هسته اصلی انجام یک تحلیل گفتمان انتقادی (CDA) است که به نوبه خود هدف آن شناسایی اندیشه‌های پنهان در گفتمان سیاسی است. از نظر ون دایک، CDA تنها یک تحلیل یا توصیف از جنبه‌های رسمی گفتمان یک زبان نیست، بلکه به بررسی (نقش زبان در لایه‌های اجتماعی و روابط قدرت و سلطه‌گری در جامعه) می‌پردازد. دایک (1998، 2004) و بسیاری دیگر از تحلیلگران CD مانند فرکلاف و ووداک معتقدند که آن‌ها باید "دانشمند علوم اجتماعی و سیاسی، و همچنین منتقدان و فعالان اجتماعی نیز باشند... و CDA خود را نه بی‌تفاوت و نه مسئول بلکه متعهد می‌داند (درهمان‌ مرجع). اما یکی از نکات مهم در برابرCDA، تصمیم‌گیر بودن آن است نه مشاور بودن. یکی از کنش‌های انتقادی برای افزایش عینیت توسط جفریس (2010) به عنوان سبک‌شناسی انتقادی (CS) پیشنهاد شده است، که او در آن مجموعه مفصلی از روش‌های تحلیلی را برای نظریه‌های رایج CDA بکار می‌برد. بنابر گفته‌ی او:

گسترش CS پاسخی به احساس ناامیدی من در مواجهه با فقدان عمدی روش یا چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی و کنار گذاشتن مبرهن بسیاری از دستاوردهای زبان شناسی در مرحله علمی توسعه آن بود. (ص 410)

او از ضرورت "ارائه مجموعه‌ای شفاف از ابزارهای تحلیلی به خواننده برای انجام تحلیل انتقادی متون، با هدف پرده برداری یا کشف الگوهای رفتاری بنیادی متون" (ص. 6)، حمایت می‌کند، که براساس سبک‌شناسی انتقادی‌ست: قدرت زبان انگلیسی (2010). CS نشان می‌دهد که چگونه بافت زبانی برای ارائه نسخه‌ای از واقعیت با مفاهیم اعتقادی مطابق با عملکرد/ نقش اندیشه‌‌گانی زبان هالیدی ارتقا داده می‌شود. CS براساس دیدگاه اندیشه‌گانی‌اش که این سؤال را مطرح می‌کند که آیا زبان به‌ درستی زمینه را به تصویر می‌کشد، 10 کارکرد متنی\_ نظری را ارائه می‌دهد. این "کارکردهای متنی- مفهومی" جنبه‌های اندیشه‌گانی (محرک‌ها) را با جنبه‌های متنی (محرک‌ها) ترکیب می‌کنند. این وظایف شامل نامگذاری و توصیف، به تصویر کشیدن اعمال/ رویدادها/ موقعیت‌ها، معادل سازی و مقایسه، تمثیل و فهرست نویسی، اولویت بندی، پیشنهادات و فرضیات، انکارها، گماشت‌ها، تجلی گفتار و افکار دیگران و نمایش زمان، مکان و جامعه است.

روابط بین الملل طی 20 سال گذشته تغییرات قابل توجهی را متحمل شده و خاورمیانه مرکز این تحولات است. بهار عربی به درگیری‌ها، ترور شخصیت‌های سیاسی و مذهبی، تسلط نظامی و اعتراضات با انگیزه‌ی اعتقادی اشاره دارد. کشورهای اتحاد جماهیر شوروی تحت تأثیر فضای این تحول و سیاست زمین سوخته قرار گرفتند. با توجه به انتخابات اوکراین در سال 2014، بحران بزرگ روسیه و اوکراین اهمیت جغراسیاسی پیدا کرده و در عین حال ثبات اقتصاد جهانی را به میزان قابل توجهی کم می‌کند. این وضعیت همچنین ایالات متحده و کشورهای اروپایی را بر آن داشته است تا مثل همیشه تحریم‌های شدید متعددی را علیه مقامات و شرکت‌های روسیه اعمال کنند. به همین دلیل، برای درک این مسئله از منظر زبانی، لازم است با دنبال کردن تبلور مفاهیم بینافردی به جای معنای اندیشه‌گانی، طرف‌های گفتگو را در موقعیت حقیقی خود قرار دهیم.

30 مقاله انتخاب شده از مسکو تایمز و واشنگتن تایمز مجموعه داده‌های تحلیلی را تشکیل می‌دهند. نظریه ارزیابی مارتین و وایت (2005) و سبک‌شناسی انتقادی جفریس (2010) مدل‌های اتخاذ شده در این پژوهش بر اساس سبک داده‌ها هستند. این‌ مدل‌ها برای بررسی چگونگی ظهور مفاهیم بینافردی از نظر اندیشه‌گانی در داده‌های انتخاب شده استفاده می‌شود، که به نوبه خود دو قطب مخالف را بازتولید می‌کنند. از آنجایی که مفاهیم بینافردی (از طریق تحلیل ارزیابی) و مفاهیم اندیشه‌گانی (از طریق تحلیل سبک شناسی\_ انتقادی) هر دو از دیدگاه اندیشه‌گانی خواهند بود، پیش‌بینی می‌شود که هر دو مدل با هم مطاقبت داشته باشند.

به گزارش مسکو تایمز که مواضع روسیه را انعکاس می‌دهد، ایالات متحده و ناتو روز چهارشنبه درخواست روسیه ممنوعیت اوکراین از عضویت ناتو را رد کردند و بر حل دیپلماتیک بحران ناشی از افزایش نیروی نظامی مسکو در امتداد مرزهای کیف تاکید کردند. (طبق Jan. 2022 ,26). که معتقد است هرکسی که با جنگ مخالفت کند یک خائن ملی‌ست زیرا "آن‌ها (غربی‌ها) قطعا در "ستون پنجم"، روی خائنان ملی حساب خواهند کرد." از سوی دیگر، روزنامه واشنگتن تایمز در 18 مارس 2022 با نوشتن "رئیس جمهور بایدن، رئیس جمهور روسیه، ولادیمیر پوتین را *جنایتکار جنگی* (به قول خودم) نامید" ، دیدگاه آمریکا را به تصویر می‌کشد. از 18 مارس 2022 پیام آمریکا به همه کسانی که سعی در حمایت از روسیه دارند فرستاده می‌شود "پرزیدنت بایدن پیامدها و عواقب ارائه حمایت مادی چین از روسیه در ادامه جنگ وحشیانه خود در اوکراین را، نه فقط برای روابط چین با ایالات متحده، بلکه برای کل جهان به وضوح بیان کرد".